

بررسی یکی از مواد برنامه هفتم توسعه که وزارت ارشاد را مکلف به راه‌اندازی سامانه‌ای برای رصد داده‌های کاربران ایرانی کرده است در گفت‌وگو با کارشناسان

صیانت دوم در برنامه هفتم

«به منظور احصای دقیق و برخط داده‌های آماری مورد نیاز به جهت تسهیل پردازش، تحلیل دقیق و ایجاد بستر مناسب برای آینده‌پژوهی روندهای سبک زندگی جامعه ایرانی و همچنین انتشار آنها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هماهنگی با مرکز آمار ایران مکلف است نسبت به راه‌اندازی سامانه رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم اقدام کند. دستگه‌های اجرایی و دارندگان پایگاه‌های داده موضوع این بند، موظفند نسبت به ارائه مستمر و جامع داده‌ها به این سامانه به صورت برخط اقدام کنند».

برای اینکه بدانیم ایده پشت این ماده از کجا نشئت می‌گیرد، بد نیست نگاهی به پیش‌نویس لایحه برنامه هفتم توسعه بیندازیم. در پیش‌نویس، این موضوع در ماده ۱۶۱ گنجانده شده و در آن ذکر شده بود «این اقدام باید از طریق یکپارچه‌سازی اطلاعات پایگاه‌های عمومی، سامانه‌های دولتی و خصوصی و سکوهای کسب‌وکارهای مجازی (حای کلان‌داده) انجام شود. کلیه دستگاه‌های اجرایی و دارندگان پایگاه‌های داده موضوع این بند نیز موظف خواهند بود که نسبت به ارائه مستمر و جامع داده‌ها به پایگاه داده مذکور به صورت برخط اقدام کنند».

به این ترتیب می‌توان حدس زد که با تصویب برنامه هفتم توسعه، با همین کیفیتی که اکنون در مجلس قرار دارد، دیگر دسترسی به اطلاعات خصوصی کاربران به راحتی صورت می‌گیرد و یک امر غیرقانونی به قانون تبدیل می‌شود.

حريم خصوصی کاربران والزامات حقوقی آن در ايران

با فراگيرشدن اينترنت در ايران، قوانين و مقررات مرتبط با آن نيز در کشور تصويب و به چارچوبی کلی تبدیل شد. برخلاف آنچه در اين سال‌ها از بی‌قانونی در فضای اينترنت گفته می‌شود، ايران مجموعه‌ای از قوانين گسترده را در زمينه فعاليت در فضای مجازی و تجارت در آن دارد. قانون تجارت الكترونيك در ايران بخش‌های زيادی از موضوع حريم خصوصی را پوشش می‌دهد. در زمينه وضع قوانين در حوزه اينترنت، همواره دو موضوع مهم مدنظر قانون‌گذاران است؛ يکی دسترسی آزاد شهروندان به اينترنت و ديگری حفاظت از داده‌های شهروندان و رعايت حريم خصوصی آنها. حريم خصوصی يکی از نماهای نمايان و برجسته حقوق بنيادين بشری است و تعرض به آن از مصاديق نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی است. صالح نقره‌دهر، دبير کمیسیون حقوق بشر کانون وکلدا، در گفت‌وگو با «شرق» و در واکنش به احتمال تصويب ماده ۷۵ برنامه هفتم

سسامان موحدي‌راد: برنامه هفتم توسعه حالا در مجلس شورای اسلامی و در کمیسیون تلفيق در حال بررسی است تا در نهايت با تصويب به قانون تبدیل شود. پيش از آنکه سيدابراهيم رئيسی این لايحه را به مجلس ارائه کند، انتشار پيش‌نویس این برنامه حواشی فراوانی ایجاد کرده بود که دريافت همین بازخوردها موجب اصلاح بخش‌های مختلفی از این برنامه شد. بااین‌حال، نگاهی به برنامه نهايي که حالا در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است، نشان می‌دهد که برخی از موضوعات چالش‌برانگيز با تغييرات جزئی در ظاهر، در برنامه گنجانده شده‌اند. یکی از این موضوعات چالش‌برانگيز، ایجاد بستری قانونی برای دسترسی آزاد دولت به داده‌های کاربران ایرانی است. این موضوعی است که از زمان توسعه اينترنت در ايران همواره محل مناقشه بوده است. کاربران ایرانی چندان به اپليکیشن‌ها و پیام‌رسان‌های داخلی اعتماد نداشتند و ندادند؛ چون گمان می‌کنند این پلتفرم‌ها به راحتی اطلاعات را در اختيار دولت‌ها قرار می‌دهد. بخش خصوصی و اساتذت‌آپ‌ها هم از این رهگذر آسودهديداند؛ چون نهدای که می‌بایست در این زمينه اعتمادسازي کنند، دولت است که چندان در مسیر خود موفق نبوده، به همین دليل همواره در استفاده از پلتفرم‌های ایرانی شک و شبهه‌ای در زمينه دسترسی به اطلاعات و ورود به حريم خصوصی وجود داشته است. حالا اما در برنامه هفتم توسعه این تعارف کنار گذاشته شده و وزارت ارشاد مکلف شده سامانه‌ای راه‌اندازی کند تا داده‌های پایگاه داده‌های دولتی و خصوصی را در آن بارگذاری و رصد کند. در صورت تصويب این ماده از برنامه هفتم توسعه، حريم خصوصی کاربران ایرانی در فضای اينترنت با چالش بزرگی مواجه خواهد شد و ظاهرا بايد منتظر اجرای برنامه‌ای وسیع‌تر از طرح صیانت باشیم. برنامه‌ای که بسیاری از فعالان حوزه اينترنت آن را «طرح صیانت ۲» می‌خوانند.

ماده ۷۵ برنامه توسعه چه می‌گوید؟

همه ماجرا از ماده ۷۵ برنامه توسعه هفتم شروع شد؛ ماده‌ای که در آن تلاش شده تا با انديشيدن تمهيداتی، «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» در جامعه تحکيم شود. به همین منظور وظايفی برای وزارت ارشاد و سازمان‌های فرهنگي زیرمجموعه آن در نظر گرفته شده است. مهم‌ترین هدف این ماده، بازطراحی مأموریت‌های فرهنگی نهادهای مسئول در ايران است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف شده تا ظرف دو سال مأموریت، ساختار، وظايف و تشکيلات دستگاه‌های فرهنگي را اصلاح کند. پایه این اصلاحات هم در همان بند «ب» ماده ۷۵ برنامه توسعه ذکر شده است:



دنيا دولت‌ها یک سطح از دسترسی به اطلاعات مخاطبان را دارند و گزارش‌های سالانه‌ای در این زمينه منتشر می‌کنند؛ اما سؤال مهم اينجاست‌که این سطح از دسترسی به چه میزان است؟ درحال‌حاضر و در برنامه هفتم توسعه این به درستی مشخص نشده که دولت تا چه سطحی از اطلاعات کاربران را قرار است در اختيار داشته باشد. آیا قرار است تنها تنها اطلاعات انبوه را داشته باشد یا اینکه قرار است ریز رفتار کاربران را هم رصد کند؟ این موضوعی است که در این برنامه مشخص نشده و مبهم بیان شده است. به هر حال این موضوع اختلاف‌هایی را در این فضا به همراه دارد؛ چون از یک سو مسئله حريم خصوصی کاربران را داریم و از سوی ديگر این سؤال مهم پيش می‌آید که چرا یک پلتفرم بايد اطلاعات کاربران را که مهم‌ترین ثروتش است، در اختيار ديگران قرار دهد».

حفاظت از داده‌های کاربران ایرانی به چه ترتیب است؟

سال‌هاست که موضوع حفاظت از داده‌های شخصی کاربران ایرانی موضوعی جنجالی در فضای مجازی است. این موضوع چنان اهمیت دارد که حتی در رقابت‌های انتخاباتی به یک شعار و وعده مهم دولت‌ها تبدیل شده است. در یک سال گذشته، هم دولت لایحه «حمايت و حفاظت از داده‌های شخصی» را به مجلس ارائه کرده و هم مجلس از طرح «حکمرانی طرح‌ها و لايحه‌ها با ماده ۷۵ برنامه اما مشخص نسبت این موضوعی در این برنامه هفتم توسعه در چیست. در موضوع ضرورت حفاظت از داده‌های شخصی و خصوصی کاربران البته یک راهبرد مهم ديگر هم وجود دارد و آن فتوای رهبري دراین‌باره است. اردیبهشت سال جاری مهدی فاضلانی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، با انتشار مطلبی در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره نقض حريم خصوصی، فتاوی سخت‌گیرانه (با صريح و محکم) دارند؛ ازجمله اینکه در پاسخ به استفتائى این‌گونه فرموده‌اند: تجسس در امور شخصی و خصوصى ديگران جایز نیست و فرقی بين فضای مجازی و حقیقی نیست.

خطر حذف یکی از ظرفیت‌های تهران در زمان بحران

باند پروازی دوشان‌تپه کوتاه می‌شود

شهرداری احداث شده) به‌عنوان مانع پرواز اشاره کرده‌اند. به گفته کارشناسان شهری این باند در یکی از مرغوب‌ترین محدوده‌های شهری (نیروی هوایی منطقه ۱۳) واقع شده و تغییر کاربری بخشی از آن به مسکونی (احداث بیش از چهارهزار و ۵۰۰ واحد مسکونی) ارزش‌افزوده‌ای چند ده هزار میلیاردی در پی دارد. ظاهرا در سال ۱۴۰۱ استعلام و‌نامه‌ای فوری از جانشین معاونت عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، مبنی بر عدم قابلیت پرواز در باند گرفته شده است؛ نظری که در تعارض با اظهارنظرهای سابق بدافند غیرعامل کشور، مدیریت بحران کشور، مدیریت بحران شهر تهران و قرارگاه ثارالله (ع) قرار دارد. کام بعدی این بود که توافق‌نامه‌ای در خرداد و سپس صورت‌جلسه‌ای در شهریور ۱۴۰۱ امضا شد؛ صورت‌جلسه‌ای مبنی بر «عدم امکان پرواز» هواپیمای بال ثابت. پس از این صورت‌جلسه و با وجود امضای اعضا (ازجمله سازمان هواپیمایی)، اواخر سال ۱۴۰۱ استعلامی از سازمان هواپیمایی کشوری صورت گرفت که در آن، این سازمان تلویحا امکان پرواز هواپیمای نظامی و امدادی را پذیرفته و رد نکرده است.

در کام بعد، طرح شهرسازی برای قسمت شرقی پادگان دوشان‌تپه (۷۵ هکتار) تهیه شد. در این طرح، باند پروازی تجزیه شده و عملا به شمالی و قسمت شرقی باند، مسکونی خواهد شد. قسمت‌های زردرنگ، مسکونی هستند و بیش از چهارهزار و ۵۰۰ واحد آپارتمان مسکونی احداث خواهد شد. برای پیشگیری از حواشی احتمالی، بخش‌های مرکزی باند برای امداد هلی‌پورت (هلی‌کوپتری) استفاده خواهد شد؛ اما ديگر هیچ هواپیمای بال ثابتی بر آن نشست و برخاست نخواهد کرد و این یعنی ظرفیت امدادی بسیار پایین نسبت به هواپیمای و امری غیراساسی و نمایشی. قسمت غربی نیز به دلیل عدم انتفاع و اظهار به محدودیت ساخت‌های ستادی و غیرقابل اختیاربودن، رها شد. تمام اقدامات انجام شده برای ارتش و شهرداری تهران در اردیبهشت ۱۴۰۲ انجام شد و در آن قید شده که طرح، برای تصویب به کمیسیون ماده ۵ شهرداری ارسال شود و پس از تصویب، امکان صدور پروانه خواهد داشت.

منتقدان طرح می‌گویند «در شرایطی که بیش‌ازپیش اهمیت زیرساخت‌های دفاعی –امنیتی و پدافندی کشور بر همه عیان شده، اقداماتی در جریان است که حاکی از تجزیه باند پروازی فرودگاه دوشان‌تپه و تبدیل آن به معیار، مسکن و ديگر کاربری‌های شهری است؛ باندی که هنوز فرصت احیا برای پروازهای اضطراری هواپیماهای سطح متوسط در شرایط بحران را دارد». اعلام برنامه ایجاد قسمتی از این باند به‌عنوان محل پشتیبان امداد هلی‌کوپتری در طرح، پيشنهاد جایگزینی است که هیچ‌گاه از نظر اهمیت و ظرفیت جای باند پرواز هوایی پیشین (بال ثابت) را نمی‌گیرد.

اگرچه بخشی از استانداردهای پروازی در این باند به خاطر برخی ساخت‌وسازها و ایجاد عوارضی مثل دکل‌های مخابراتی، مخدوش شده؛ اما هیچ‌گاه جواز کافی برای تجزیه و باز دست‌ دادن این زیرساخت دفاعی در یکی از پرتراکم‌ترین محدوده‌های تهران و ائزبخشی آن در بحران‌هایی نظیر زلزله و جنگ نخواهد بود؛ بلکه باید با اراده‌ای آینده‌نگرانه نسبت به احیای این میراث حیاتی دفاعی اقدام کرد. به اعتقاد آنها توافقات اخیر را می‌توان از مصادیق خلع سلاح ملی و تخریب زیرساخت‌های امنیتی کشور دانست. روز پنجشنبه ۱۱ اسفند سال گذشته، تمرین مشترک امداد هوایی کلان‌شهر تهران با دستور شهردار تهران، با فرض رخ‌دادن زلزله هفت‌ریشتری، انجام شد. شهردار تهران در سخنانی پیش از شروع این مانور اعلام کرد که سه گسل فعال و وجود بیش از ۱۲ هزار هکتار بافت ناپایدار، نگرانی بالقوه‌ای در تهران محسوب می‌شود. در همان مانور، پادگان دوشان‌تپه یکی از مکان‌های عملیات مدیریت بحران بود.

به‌تازگی محمدهادی علی‌احمدی، شهردار منطقه ۱۳ درباره احتمال کوتاه‌شدن باند پروازی دوشان‌تپه و لزوم حفظ این باند پروازی برای استفاده در زمان‌های بحران گفته است. برای اینکه دقیقاً تشخیص داده شود کدام هواپیمایا با بالگردی می‌توانند در آنجا بنشینند، مشاور هوانوردی گرفته شد. به وجود آنکه تکلیف نبوده؛ اما این کار را کردیم تا کار درست را انجام دهیم و دقیقاً آنچه را مشاوران گفتند، اجرا می‌کنیم.

شرق: شش‌روز تهران روز گذشته ۳۰۶ ریشتر لرزید. این زلزله خفیف می‌توانست یک زلزله هفت‌ریشتری باشد و فاجعه قرن رخ دهد؛ زلزله‌ای که سال‌هاست درباره آن هشدار می‌دهند؛ اما در عمل کسی به آن باور ندارد. باورنداشتن به وقوع زلزله را می‌توان در تصمیم‌گیری‌ها و میزان آمادگی در برابر زلزله احتمالی دید.

روز گذشته مهدی زارع، استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و رئیس مرکز پیش‌بینی زلزله در پژوهشگاه بین‌المللی زلزله، درباره زلزله شرق تهران به رسانه‌ها گفته است مرکز این زمین‌لرزه در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی تهران بوده و ناشی از فعال‌شدن گسل ایوانکی است. این گسل یکی از شلوغ‌ترین و پرجمعیت‌ترین مناطق تهران را تحت تأثیر قرار داده و بیش از این در ۱۷ مهر سال ۸۸ و سوم اسفند سال ۸۹ نیز در همین نزدیکی زمین‌لرزه‌هایی به وقوع پیوسته که هرچند کوچک بوده؛ ولی حکایت از فعال‌بودن گسل ایوانکی دارد. به لحاظ تاریخی نیز شواهد مؤید وقوع زمین‌لرزه هفت‌ریشتری در سال ۷۲۴ و ۸۵۵ میلادی در این منطقه است. این زلزله‌های کوچک تاکنون نتوانسته تصمیم‌گیران شهری را تکان دهد و آنها قصد دارند یکی از ظرفیت‌های تهران در زمان بحران را بی‌اثر کنند. هرچند آنها در گفت‌وگو با رسانه‌ها این اطمینان را می‌دهند که باند پروازی دوشان‌تپه حفظ می‌شود؛ اما برخی از اخبار غیررسمی از توافقات انجام‌شده برای ساخت‌وساز در این محدوده نشان می‌دهد در صورت اجرایی‌شدن این تفاهم‌نامه‌ها عملا این باند پروازی تنها مناسب استفاده بالگرد می‌شود.

به گفته کارشناسان شهری با حذف قسمت انتهایی باند (شرق) امداد خیابان پنجم نیروی هوایی) عملا پرواز در این باند متغفی می‌شود؛ آن‌هم به خاطر کم‌شدن طول باند و حذف‌شدن دوربرگردان انتهایی سایت. شاید این باند پروازی مناسب پروازهای مسافرتی با استاندارد‌های تعریف‌شده برای این پروازها نباشد؛ اما در زمان‌های بحرانی مانند زلزله و جنگ، مناسب پرواز هواپیمای جنگی است و با کوتاه‌شدن این باند پروازی و تبدیل آن به هلی‌پورت تنها امکان استفاده بالگرد فراهم خواهد بود و عملا یکی از ظرفیت‌های تهران برای زمان‌های بحرانی از دست می‌رود.

ساماندهی و تعیین تکلیف پادگان دوشان‌تپه در منطقه ۱۳ تهران یکی از پروژه‌های مهم طرح جامع تهران بوده که در سال‌های اخیر طرح اولیه‌ای برای آن تهیه و به شورای عالی شهرسازی و معماری ارسال شده است. شورای‌عالی شهرسازی و معماری هم در سال ۹۹ ضمن انعکاس موارد لازم بیا رویکرد ارتقای تاب‌آوری، مدیریت بحران و تأمین خدمات حوزه شرق تهران به زیرمجموعه‌های مختلف مرتبط با موضوع و اخذ نظرات، تعیین تکلیف نهایی کار را برعهده ستاد کل نیروهای مسلح گذاشت. یکی از موضوعات اختلاف‌برانگیز، احیا و حفظ یا حذف و تجزیه باند پروازی هواپیمای بال ثابت (دو کولمتری) پادگان دوشان‌تپه بوده است. در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ جلسات زیادی میان نهادها و سازمان‌های مختلف برای تعیین تکلیف پادگان دوشان‌تپه برگزار شد. گروهی موافق حذف و تجزیه باند پروازی دوشان‌تپه بودند و تاکید داشتند براساس نظر نهاجا (نیروی هوایی ارتش) مبنی بر عدم قابلیت استفاده پروازی و پیش‌بینی استفاده به‌به صورت هلی‌پورت، امکان پرواز هواپیمای بال ثابت در باند پروازی (دو کولمتری) دوشان‌تپه وجود ندارد. موافقان حفظ باند پروازی هم تاکید داشتند به جای تجزیه باند پروازی هواپیمای بال ثابت (به‌عنوان یک زیرساخت دفاعی و پدافندی) باید به دنبال برطرف‌کردن مشکلات و احیای آن جهت نشست و برخاست هواپیمای متناسب با آن و سرویس دهی در زمان بحران‌های احتمالی نظیر جنگ یا زلزله باشیم؛ چراکه این پادگان به‌عنوان یکی از قطب‌های امدادی شرق تهران همسو با فرودگاه قلعه‌مرغی در جنوب و مهرآباد در غرب به حساب می‌آید؛ بنابراین به جای تجزیه این باند، برخی از متخصصان و مجربان پروازی هوانوردی و نظامی معتقد بودند امکان احیا و پرواز نظامی و اضطراری در زمان بحران در ایسن باند پروازی وجود دارد. مخالفان حفظ این باند پروازی بر عیب و ایرادی را به این باند دو کولمتری وارد کردند. به‌به برخی دکل‌های مخابراتی و اطراف پادگان و ساخت‌وسازهای شمال و شمال شرق باند (که در سال‌های قبل با چراغ سبز